

الگوی پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران؛ مطالعه موردی در استان مازندران^۱

همت‌اله نادی‌بابایی*، حسین غلامی**

حسن حاجی‌تبار فیروزجانی***، مهدی اسماعیلی****

چکیده

یکی از مباحث مهم در رابطه با جرایم اطفال و نوجوانان اتخاذ نوع الگوی پاسخ‌دهی به آن است که به‌طور کلی می‌توان این الگوها را در قالب چهار نوع ترمیمی، کیفری، تخمینی و بازپروری مورد توجه قرار داد که در این نوشتار تلاش شده است تا با استفاده از روش میدانی به بررسی موضوع در قلمرو نظام حقوقی و قضایی ایران پرداخته شود. روش حاکم بر پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر روش داده‌بنیاد است. جامعه آماری را تعدادی از قضات دادگستری استان مازندران، مددکاران قانون اصلاح و تربیت و استادان آشنا به حقوق کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند. نمونه‌ها به‌طور هدفمند انتخاب و در مرحله گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه استفاده شد. داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان داده است که در سیاست کیفری

۱. این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی با راهنمایی نویسنده مسئول و نگارش همت‌اله نادی‌بابایی تحت عنوان «تأثیرگذاری اسناد بین‌المللی بر سیاست جنایی ایران در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار» و با مشاوره دکتر حسن حاجی‌تبار فیروزجانی و دکتر مهدی اسماعیلی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت‌اله آملی است.

* قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد آیت‌اله آملی)، آمل، ایران
nbabaei45@gmail.com

** استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
gholami1970@yahoo.com (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد قائم‌شهر)، قائم‌شهر، ایران
hajitabar@yahoo.com

**** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد قائم‌شهر)، قائم‌شهر، ایران
dresmaeli@yahoo.com

ایران در ارتباط با چگونگی برخورد با جرایم اطفال و نوجوانان سه نوع از الگوهای پاسخ‌دهی یعنی الگوهای کیفری، ترمیمی و بازپروری قابل استفاده است و الگوی تخمینی جایگاهی ندارد؛ اما چگونگی برخورد سامانه عدالت کیفری با جرایم اطفال و نوجوانان در استان مازندران گاه به شکل بیشینه و گاه به صورت کمینه است، به طوری که در سطح رویه قضایی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان استان مازندران استفاده بیشتر از دو الگوی پاسخ‌دهی کیفری و بازپروری بر حسب سن افراد قابل شناسایی است و استفاده از الگوی ترمیمی کمتر در آرای قضایی مشاهده شده است.

واژگان کلیدی: الگوی پاسخ‌دهی، ترمیمی، بازپروری، کیفری، تخمینی، کودکان

مقدمه

یکی از دغدغه‌های بسیار مهم اندیشمندان و سیاست‌گذاران داخلی و بین‌المللی، در قرن حاضر به‌ویژه در سالیان اخیر، مسئله جرایم کودکان و نوجوانان و نرخ فزاینده آن به‌ویژه از حیث نوع و کیفیت جرایم آنان در میان جوامع بشری از جمله کشور ایران است. به‌گونه‌ای که اولین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و جرم‌شناسی که در سال ۱۹۵۵ به ابتکار سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در شهر ژنو تشکیل گردیده بود در قطعنامه خود چنین پیشنهاد کرده است: «کمسیون مسائل اجتماعی باید پس از مشورت با کمیسیون حقوق بشر با جلب موافقت دولت‌ها و سایر تشکیلات ذی‌نفع هرچه زودتر به تجدیدنظر در مورد قواعد و مقررات مربوط به پیشگیری از جرایم و اصلاح قوانین و تربیت مجدد اطفال بزهکار اقدام نماید» (صانعی، ۱۳۷۶: ۱۴۵) و سازمان جهانی حمایت از کودکان در یک جمله کوتاه ولی کلی و فراگیر خاطر نشان می‌سازد: «اگر خواهان زندگی صلح‌آمیزی هستیم باید از کودکان شروع کنیم» (نوربها، ۱۳۸۴: ۹۰). بر این اساس، جنبه تأدیبی و اصلاح‌کننده کیفر در مورد اطفال بزهکار مورد تأکید قرار گرفت.

جوامع مختلف الگوی پاسخ‌دهی متعددی را برای جرایم اطفال و نوجوانان معرفی کرده‌اند. بی‌تردید ظهور و بروز الگوهای متفاوت پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در دوره‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه‌ای خاص، صرف‌نظر از تفاوت ماهیت، مؤلفه‌ها و عناصر جرایم اطفال در دوره‌های مذکور، تحت تأثیر همان شرایط فراگیر سیاسی، اقتصادی و غیره است. از این رو، نگرش گونه‌شناسانه به تحولات پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان نه تنها زمینه شناخت مدل حاکم بر نظام عدالت کیفری ملی را در این خصوص فراهم می‌آورد، بلکه موجبات تأمل و تعمق در اوضاع و احوال اجتماعی مؤثر بر بروز و کاربرد آن گونه پاسخ‌دهی را نیز امکان‌پذیر می‌سازد» (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۰)، زیرا نتایج مطالعات میدانی جرم‌شناسانه انجام گرفته در این باره به این نتیجه رسیده‌اند که «این الگوهای پاسخ‌دهی باید سودمند باشند تا از این رهگذر جامعه نفع

ببرد. در واقع در پرتو این الگوها، آنچه اهمیت دارد آینده بزهکار است و نظام عدالت کیفری باید در این راستا حرکت کند. بازدارندگی، توان‌گیری و بازپروری از مهم‌ترین این الگوها به شمار می‌روند» (sigel and senna, 2008: 123). همچنین پنج الگوی رفا، عدالت کیفری، مداخله حداقلی، عدالت ترمیمی و الگوی مدیریت خطر (تخمینی) که متفاوت از اجرای عدالت کیفری اطفال هستند شناخته شده‌اند (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۱).

سنگ‌بنای اتخاذ سیاست کیفری افتراقی به جرایم اطفال و نوجوانان در کشور ایران به موجب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ آغاز شد که این امر با تصویب قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ رویکرد سیاست‌گذاران کیفری ایران به انتخاب و گزینش یک الگو یا یک مدل مشخص برای پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال جنبه جدی به خود گرفت. این عملکرد تا زمان تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ پایدار ماند ولی پس از آن دچار برخی تحولات شد تا سرانجام در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سیاست‌گذار کیفری ایران با توجه به انتقادات وارد و نیز با اقتباس از مقررات بین‌المللی فصل مستقلی را برای مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان در نظر گرفت. بنابراین، این پرسش مطرح می‌گردد که تاکنون چه الگوهایی برای پاسخ‌دهی به جرایم کودکان و نوجوانان اعمال و اجرا شده است و الگو یا الگوهای حاکم بر پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در حقوق ایران کدام است. این پژوهش به‌طور موردی درصدد تبیین الگوهای پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در رویه قضایی استان مازندران است تا مشخص نماید که الگوی پاسخ‌دهی به جرایم این دسته از افراد در استان مازندران کدام است. از این‌رو، در این نوشتار به مهم‌ترین الگوهای پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و بررسی این موضوع در رویه قضایی استان مازندران پرداخته خواهد شد.

۱. الگوهای پاسخ‌دهی

کیفیت پاسخ به جرایم اطفال و نوجوانان با توجه به جایگاه آسیب‌پذیر آن‌ها در جامعه موضوع تأمل و سیاست‌گذاری‌های متفاوتی واقع شده است، به‌طوری که منجر به ظهور گونه‌های مختلف پاسخ‌دهی به جرایم اطفال گردیده است. در ادامه به برخی از الگوهای مهم مطرح‌شده پرداخته شده است.

۱-۱. الگوی عدالت ترمیمی

ظهور مفهوم عدالت ترمیمی حاصل تحول در نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی حقوق‌دانان کیفری، جرم‌شناسان و مجریان نظام کیفری نسبت به عدالت کیفری مبتنی بر «جزا و سرکوب» و عدالت کیفری مبتنی بر «اصلاح و تربیت» است که در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ و ارزش‌های جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و پویایی را معرفی می‌کند. آنچه در این دیدگاه اهمیت ویژه دارد

جبران خسارت‌های مادی، معنوی، روانی و عاطفی وارد شده بر بزه‌دیده است. از طرف دیگر، این دیدگاه معتقد است حل و فصل اختلاف‌های ناشی از ارتکاب بزه و آشتی بین طرف‌های ذی‌نفع نیز نه به وسیله قدرت حاکم و دولت، بلکه به وسیله جامعه محلی و با حضور فعال بزه‌دیده و بزه‌کار در چهارچوب میانجیگری، مذاکره، مصالحه، نشست و... که سازوکارهای مختلف عدالت ترمیمی محسوب می‌شوند باید صورت پذیرند. از نظر طرفداران این دیدگاه، طرف‌های عدالت ترمیمی عبارت‌اند از بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه محلی. الگوی عدالت ترمیمی ارتکاب بزه را نقض قوانین و مقررات رسمی و مخالف با دولت نمی‌پندارد، بلکه آن را به‌عنوان یک اختلاف و تعارض در روابط اشخاص قلمداد می‌کند (رایجیان اصل، ۱۳۸۴: ۲۲). این رویکرد در پی آن است که بزه‌دیده و بزه‌کار را به‌مثابه دو انسان صاحب کرامت پنداشته و ترس و دلهره را از بزه‌دیده برطرف سازد تا از بزه‌دیدگی ثانویه وی پیشگیری کند (رایت، ۱۳۸۴: ۲۵). بر این اساس، عدالت ترمیمی به‌دنبال پاسخ‌گویی کامل و مستقیم است. پاسخ‌گویی به‌طور ساده به این معنی نیست که بزه‌کاران با واقعه‌ای که منجر به نقض قانون شده است روبه‌رو شوند، بلکه آنان باید با کسانی که به آنان ضرری وارد کرده‌اند نیز روبه‌رو شوند و ملاحظه کنند که اقدامات ایشان چگونه منجر به ضرر و زیان دیگران شده است. آنان باید در مورد رفتار خود توضیح دهند تا بزه‌دیده و جامعه بتوانند آن را درک کنند. این الگوی پاسخ به‌دنبال دعوت به مشارکت کامل، اتفاق‌نظر و اجماع است؛ یعنی بزه‌دیدگان و بزه‌کاران به‌طور کلی درگیر موضوع می‌شوند اما با وجود این کسان دیگری که احساس می‌کنند منافع آن‌ها نیز تحت تأثیر پدیده مجرمانه قرار گرفته است نیز می‌توانند مشارکت کنند. با بازگرداندن وحدت و هماهنگی بین آن چیزی که در نتیجه ارتکاب جرم گسسته شده است، یک نوع آشتی میان بزه‌کار و بزه‌دیده اتفاق می‌افتد و اختلاف از بین می‌رود و ایشان به جامعه بازگردانده می‌شوند.^۱ قانون‌گذار ایران به‌موجب ماده ۸۸ و تبصره‌های آن و قسمت دوم از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این نوع از الگوی پاسخ‌دهی را بیشتر درباره مجرمین گروه سنی بین ۹ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرایم تعزیری و استثنائاً درباره افراد نابالغ زیر ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرایم موجب حد یا قصاص به‌لحاظ وجود شرایط خاص ذهنی و روانی در مرتکب (نابالغ) مورد پذیرش قرار داده است؛ گرچه قانون‌گذار ایران بر اساس قسمت اول ماده ۹۱ قانون مزبور درباره افراد بالغ زیر

۱. جهت اطلاع بیشتر از مفهوم عدالت ترمیمی و سازوکارها و مدل‌های عدالت ترمیمی، (نک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۹-۴).

۱۸ سال در حالت عادی و در صورت نداشتن آن شرایط خاص ذهنی و روانی از الگوی عدالت کیفری (عدالت مکافات‌گرا) تبعیت نموده است.

۱-۲. الگوی عدالت کیفری

هر اندازه که الگوی عدالت ترمیمی بر ضرورت اتفاق و اجماع و گفت‌وگو بین بزه‌دیده و بزه‌کار و جبران خسارت بزه‌دیده تأکید دارد، الگوی عدالت کیفری مجازات بزه‌کار و ضرورت واکنش جزایی را مناسب می‌داند. در این الگو، تأکید اصلی به جای بزه‌کار و اوضاع و احوال فردی و محیطی ناظر به او، بر عمل مجرمانه است. در واقع، نظام عدالت کیفری پس از وقوع جرم از رهگذر مجازات که دست‌کم با رنج ناشی از بزه‌کاری برابر است به بزه‌کار پاسخ می‌دهد تا عدم تعادلی که به‌واسطه جرم پدید آمده است، جبران شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۹). در انتقاد نسبت به الگوی عدالت کیفری یا به تعبیری رویکرد سزاگرایی نسبت به بزه‌کاری اطفال و نوجوانان گفته شده است: «رویکرد سزاگرایی در مقام ریشه‌یابی علت ارتکاب جرم و وضعیت مجرم نبوده و به اراده آزاد مرتکب در ارتکاب جرم نظر داشته و در تعیین تناسب میان جرم و مجازات به میزان سرزنش‌پذیری رفتار و صدمه وارد توجه می‌کند. همچنین سزاگرایی به گذشته نگاه داشته و آینده‌نگر نیست؛ تأثیر اجتماعی کیفر را نادیده گرفته و با توجه به نحوه ارتکاب جرم و بررسی مؤلفه‌های آن کمتر به ملاحظه‌های اجتماعی در مورد کیفردهی توجه می‌کند» (قورچی بیگی و شهرانی، ۱۳۹۷: ۱۶۳).

در نظام حقوق کیفری موضوعه ایران، الگوی کیفری پاسخ‌دهی بیشتر درباره نوجوانان (۱۵ تا ۱۸ سال) در صورت ارتکاب جرایم تعزیری (ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) و استثنائاً نسبت به افراد بالغ بین ۹ تا ۱۵ سال تمام قمری دختر در صورت ارتکاب جرایم موجب حد یا قصاص و نداشتن شرایط خاص ذهنی و روانی (مواد ۸۸ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) قابل استفاده و پذیرش است. از این رهگذر استفاده از این الگو، یعنی الگوی عدالت کیفری، (بیشتر مجازات‌های سالب آزادی و شلاق درکنار جزای نقدی و دیه) در پرونده‌های قضایی استان مازندران قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال، در رأی صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان قائم‌شهر (۱۰۱ جزائی سابق) مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۹ به شماره دادنامه ۹۶۰۹۹۷۱۲۳۰۹۰۰۷۸۹ در خصوص ایراد جرح عمدی با چاقو و سرقت مستوجب تعزیر که از سوی علیرضا خ. ۱۵ ساله اهل قائم‌شهر اتفاق افتاده است رأی صادره بدین شرح است: «... از جهت جنبه عمومی ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو به استناد ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نامبرده را به سه ماه نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌نماید و از بابت شروع به جرم سرقت نیز به استناد ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نامبرده را به سه ماه نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌نماید...»

« در نمونه‌ای دیگر متهم ۱۴/۵ ساله به اتهام لواط به عنف از سوی شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری مورخ ۹۶/۷/۱۱ و به شماره دادنامه ۹۵۰۹۹۷۱۵۱۲۱۰۱۲۶۷ بدین شرح حکم گرفت: «... این دادگاه ارتکاب بزه در حکم تفخیز (ارتکاب بزه موضوع تبصره ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) از ناحیه متهم را محرز تشخیص و مستنداً به مواد ۱۶۰، ۲۱۱، ۲۳۵ و تبصره آن و ماده ۲۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ متهم موصوف را به تحمل یکصد ضربه شلاق حدی در محل اجرای شلاق دادگستری محکوم و اعلام می‌نماید. به علاوه اینکه دادگاه با توجه به نوع جرم ارتكابی و خصوصیات رفتاری سرزده از ناحیه متهم نامبرده را به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت دو سال با احتساب ایام نگهداری قبلی محکوم می‌نماید...»

با توجه به این مطالب، تمایز بین عدالت ترمیمی و عدالت کیفری بهتر تبیین می‌گردد. نکته درخور توجه در این خصوص این است که نباید احساس شود که عدالت ترمیمی در مقابل عدالت کیفری قرار دارد. در واقع عدالت کیفری که مبتنی بر سزادهی و بازپروری است به‌عنوان سامانه اصلی و قانون عدالت جنایی قرار دارد و الگوی عدالت ترمیمی به‌عنوان مکمل عدالت جنایی و در راستای آن می‌تواند راهگشا باشد.

۳-۱. الگوی عدالت تخمینی

این الگو، در راستای افزایش کارایی نظام عدالت کیفری، بر کنترل جرم و مجرمان تأکید دارد. در این الگو پیشگیری خنثی‌کننده بر سایر اهداف عدالت کیفری اولویت دارد. در واقع، جبران خسارت بزه‌دیده و سایر اقدامات و تعهدات بزه‌کار تنها به این دلیل می‌تواند اهمیت داشته باشد که منجر به کاهش میزان ارتکاب جرم و تکرار آن گردد. الگوی عدالت تخمینی جرم را یک امر عادی و بهنجار در جامعه تلقی می‌کند و به‌دنبال طبقه‌بندی و مدیریت مجرمان بر اساس احتمال خطر و میزان تکرار جرمشان می‌باشد (غلامی، ۱۳۹۲: ۱۴).

مبنای نظری الگوی عدالت تخمینی یا مدیریت خطر (ریسک)^۱ ایدئولوژی «قانون و نظم» است که بر افزایش کارایی و تأثیرگذاری نظام عدالت کیفری از طریق اعمال و اجرای سیاست کیفری سخت‌گیرانه تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۸۶: ۱۱۰). این الگو با هدف مدیریت پیشگیری کیفری از بزهکاری کودکان و نوجوانان به مداخله پیش‌دستانه و زودرس برای مبارزه با ریشه بزهکاری توجه می‌کند. به همین دلیل قلمرو مداخله الگوی مذکور نه‌تنها فقط رفتارهای جنایی، بلکه رفتارهای نامطلوب و غیراجتماعی آنان نیز خواهد بود. بنابراین با استمداد از مفهوم «خطر»، مدیریت آن

1. Estimated Justice/Risk management

(مدیریت خطر) دامنه مداخله نظام عدالت کیفری به دوران رشد، مدیریت خانواده، حضور در مدرسه و... نیز تسری می‌یابد؛ به این منظور، به جای پاسخ‌دهی به بزه و رسیدگی به آن، حمایت از امنیت اجتماعی و نظم عمومی، مبنای نظری «مداخله پیش‌دستانه نظام عدالت کیفری» را تشکیل می‌دهد. الگوی عدالت تخمینی زمینه‌های کاهش سن مسئولیت کیفری یا تشدید پاسخ‌های کیفری به کودکان و نوجوانان بزهکار یا معارض قانون را نیز فراهم کرده است (غلامی، ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۲). بنابراین رویکرد عدالت تخمینی در پی تغییر بزهکاران نیست، بلکه می‌خواهد به آشکال مختلف آن‌ها را مدیریت کند تا مانع ارتکاب جرم توسط آن‌ها شود.

ارتقای سرعت در فرایند رسیدگی، مداخله زودرس در امور اطفال و نوجوانان، کاهش سن مسئولیت کیفری یا تشدید پاسخ‌های کیفری به اطفال و نوجوانان بزهکار یا معارض قانون از ویژگی‌های این الگو می‌باشد. در تأکید اهمیت سرعت بخشی به تعقیب بزهکاران، دادرسی کیفری و اجرای مجازات، جرم‌شناسانی همچون سزار بکاریا و فیلانژی نیز به کارگیری این شیوه را به دلیل کوتاه‌شدن فاصله میان ارتکاب جرم و پاسخ‌دهی دستگاه عدالت کیفری، برای کاهش میزان جرایم مؤثر دانسته‌اند (بکاریا، ۱۳۸۵، ۹۶-۹۵). اما باید توجه داشت که این موضوع نباید منجر به برخورد یکسان با پرونده‌های جرایم اطفال و نوجوانان شود یا کیفیت رسیدگی به این پرونده‌ها قربانی کمیت رسیدگی و شتاب‌زدگی و اشتباهات ناشی از آن گردد.

این رویکرد در سیاست کیفری موضوعه ایران و به تبع آن در سطح رویه قضایی دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان قابل استفاده نیست. یک روش جدید ارزیابی با استفاده از ابزارهای آماری است که میزان احتمال تکرار جرم با بررسی خصیصه‌های جرم‌شناسی، روانی و اجتماعی گروه‌های بزهکاری سنجیده می‌شود، سپس افراد با در نظر گرفتن نقاط اشتراکشان با این گروه‌ها در طبقات مختلف قرار می‌گیرند و متناسب با طبقه خود با ضمانت‌اجراهای خاصی روبه‌رو می‌شوند. بنابراین این رویکرد نیازمند به طبع مدیریتی، تکیه بر عقلانیت صوری، توجه به کنترل مستمر، درپیش گرفتن سیاست دوگانه‌سازی و روی آوردن به دولت امنیت‌گرا می‌باشد که برخی از این خصیصه‌ها با حدود و ثغوری متفاوت قابل تبیین در قالب‌های شرعی و قانونی است و برخی در جهتی متفاوت از آموزه‌های دینی و بایدها و نبایدهای قانونی قرار دارد. بنابراین به نظر می‌رسد ارائه مدلی بومی و شرعی از این رویکرد در دادگاه‌های کیفری استان مازندران نیازمند به تدقیق و بررسی موشکافانه و اساسی دارد.

۴-۱. الگوی بازپروری

الگوی بازپروری بیش از سایر الگوهای مذکور به دنبال پاسخ‌های اصلاحی و درمانی به منظور بازاجتماعی شدن و بهبود فرایند رشد و تربیت اطفال بزهکار می‌باشد. این دسته از پاسخ‌ها با ماهیت

بازپرورانه به دنبال بازگشت اطفال بزهکار به زندگی سالم اجتماعی، هنجارمند کردن و پیشگیری از تکرار بزهکاری آنان هستند (drowns and hwss, 2000: 437). در راستای باور به «مؤثر بودن اندیشه بازپروری» گرایش به سنجش میزان اثربخشی برنامه‌های اصلاحی و درمانی برای شناسایی عوامل اثربخشی برنامه‌ها از یک سو و کشف عوامل خطر جرم از سوی دیگر افزایش یافته است. یکی از لوازم واقع‌بینی در این بازپروری‌گرایی نوین توجه به خطر جرم بزهکاران است.

بر این مبنا، برنامه‌های بازپروری بزهکاران بر اساس طبقه‌بندی خطر جرم بزهکاران طراحی شده و به اجرا گذاشته می‌شود. در این رویکرد، بازپروری وسیله مدیریت خطر بزهکاران است و نه یک هدف اصلی. اگر برنامه‌های بازپروری اثربخش نباشند، می‌توان از سایر تدابیر مدیریت خطر جرم، مانند توان‌گیری، استفاده کرد. بدین ترتیب امروزه از بازپروری‌گرایی در چهارچوب رویکرد خطرمداری استفاده می‌شود، نه رویکرد رفاه‌مداری صرف. این بدان معناست که می‌توان شاهد شکل‌گیری نوعی تفکیک یا دوگانه‌سازی در استفاده از تدابیر بازپرورانه بود که به موجب آن بزهکاران بسیار خطرناک عمدتاً مشمول تدابیر توان‌گیرانه قرار می‌گیرند و برای بقیه بزهکاران از تدابیر اصلاحی درمانی استفاده می‌شود. این مطالب دربردارنده همه ویژگی‌های بازپروری‌گرایی جدید نیست، بلکه در حقیقت دربردارنده پیوندی عمیق میان خطر جرم و بازپروری است (رجبی و مهرا، ۱۳۹۶: ۹۲). منظور از این پیوند این است که در بازپروری‌گرایی جدید در کنار مفهوم خطر جرم به عوامل اصلاحی درمانی، مانند عوامل مرتبط با نیازهای آن‌ها و میزان تأثیرپذیری آنان از برنامه‌های بازپرورانه، نیز توجه می‌گردد. به هر شکل، این امر «علاوه بر نتایجی که از لحاظ تربیت مجدد اطفال دارد» (امامی نمینی و صلاحی، ۱۳۸۹: ۱۰۳)، باعث می‌شود میزان خطا و خطر جرم نیز کاهش یابد.^۱

رویکرد بازپرورانه در دادگاه‌های کیفری کشور در رابطه با جرایم اطفال و نوجوانان بیشتر بر جنبه‌های تأدیبی و تربیتی این گروه در کانون‌های اصلاح و تربیت تأکید دارد. در حالی که همان‌طور که اشاره شد، نگهداری بزهکاران در کانون‌های اصلاح و تربیت به نوعی مجازات سالب آزادی محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، برآمد اجرای احکام مبتنی بر نگهداری بزهکاران در کانون اصلاح و تربیت، با توجه به بالابودن آمار تکرار جرم، تاکنون نتوانسته است مهر تأییدی بر اهداف بازپروری‌گرایانه باشد. قضات دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در استان مازندران نیز با تبعیت از سیاست کیفری قانون‌گذار ایران بر اساس مواد ۸۹ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در اغلب

۱. در ارتباط با تحولات تقنینی الگوی بازپروری (پاسخ‌دهی اصلاحی) پیرامون بزهکاری اطفال و نوجوانان در قوانین و مقررات ایران، (نک: قورچی بیگی و شهرانی، ۱۳۹۷: ۱۷۳-۱۶۹).

آرای خود نسبت به نوجوانان بزهکار به‌ویژه در صورت ارتکاب جرایم تعزیری (گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال) بر نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت تأکید کرده‌اند. می‌توان گفت تقریباً در اکثر آرای صادره این حکم مشاهده می‌گردد. به‌عنوان مثال، در رأی صادره در پرونده «علیرضا.خ» ۱۵ ساله به شماره دادنامه ۹۶۰۹۹۷۱۲۳۰۹۰۰۷۸۹ در بخش دوم اتهامات خود از بابت شروع به سرقت مورخ ۹۶/۱/۲۹، پرونده «فرهاد.ض» ۱۷ ساله به شرح دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۰۱۱۴ به اتهام لواط به عنف و اکراه مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۲۳، پرونده «شبنم.آ» ۱۷ ساله به شماره دادنامه ۹۵۰۹۹۷۲۰۶۳۱۰۰۱۱۹ به اتهام نگهداری هروئین و شیشه مورخ ۹۵/۱۰/۰۷ و موارد بسیاری از این دست، منوط به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در مدت زمان تعیین شده بوده است.

در مجموع باید گفت هر یک از الگوهای مطرح شده برای پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان تحت تأثیر اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعدد در نظام‌های حقوقی ملی یا بین‌المللی قابل تغییر و تحول هستند. بنابراین همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، این الگوها ضرورتاً مؤلفه‌های پاسخ به جرایم اطفال و نوجوانان در سیاست جنایی تلقی نمی‌شوند، بلکه ممکن است بخش‌ها یا جنبه‌هایی از آن با توسل به الگو یا مدل دیگر و نیز اوضاع و احوال حاکم بر نظام حقوق کیفری قابل بررسی و تحلیل باشد. سیاست کیفری ایران از سال ۱۳۰۴ شمسی تاکنون شاهد تحولات عمیق در این رابطه بوده است که بی‌شک قلمرو سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران تأثیر بسیاری بر آن نهاده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، رویکرد سیاست کیفری ایران، با توجه به انتقادات وارد و پژوهش‌های صورت‌گرفته و نیز با اقتباس از مقررات بین‌المللی، این بار الگوی بازپروری را مدنظر قرار داده باشد، به طوری که در قانون یادشده، نه تنها فصل مستقلی برای مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شد، در فصول و مواد متفرقه‌ای نیز به جرایم و مجازات این‌گونه افراد توجه ویژه‌ای مبذول گردید، تا جایی که به موجب ماده ۹۱ حتی جرایم مستوجب مجازات حد و قصاص نیز با احتیاط بیشتری نسبت به افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال مقرر شد. با این حال با مراجعه به دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان یا کانون‌های اصلاح و تربیت و بررسی پرونده‌های موجود می‌توان درک بهتری از رویکرد قانون‌گذار برای پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان یافت که این پژوهش این موضوع را در استان مازندران پیش گرفته است.

۲. روش‌شناسی

روش حاکم بر پژوهش حاضر کیفی است و مطابق با پارادایم تفسیری، برای دستیابی به واقعیت که امری نسبی است، از روش داده‌بنیاد استفاده می‌شود. این مطالعه مبتنی بر رویکرد استقرایی است

و مطابق با تقسیم‌بندی گوبا و لینکن^۱ (۱۹۹۴) در زمره پارادایم‌های تفسیری پژوهشی قرار می‌گیرد. در این پژوهش پس از تبدیل داده‌های کلامی به متن، خطبه‌خط آن‌ها تحلیل و کدگذاری شده‌اند که نتیجه آن ایجاد مفاهیم و مقوله‌های متعدد بوده است. این کدگذاری گونه‌ای از تحلیل محتوا به شمار می‌رود که به استخراج عبارات و واژه‌های کلیدی و تکرارپذیر می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش حاضر را ۸ نفر از قضات دادگستری استان مازندران، ۵ نفر از مددکاران کانون اصلاح تربیت کودکان و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت استان و ۴ نفر از استادان آشنا به حقوق کودکان و نوجوانان، جمعاً به تعداد ۱۷ نفر، تشکیل می‌دهند. نمونه‌ها بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند؛ چون با توجه به هدف پژوهش افرادی انتخاب شده‌اند که اطلاعات غنی در مورد عنوان مطالعه دارند.

در مرحله گردآوری داده‌ها با توجه به موضوع مورد مطالعه و سؤال تحقیق از روش مصاحبه‌های عمیق برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که در بخش توصیفی به منظور توصیف داده‌های جمعیت‌شناختی اطفال و نوجوانان بزهکار، از قبیل سن، جنسیت، نوع اتهام و رأی دادگاه، از نرم افزار spss استفاده شد. در این رابطه اطلاعات این افراد از تعداد ۱۰۰ پرونده موجود در شعبه ۱ دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان استان مازندران، شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان عباس‌آباد، شعبه دوم دادگاه عمومی بخش سرخورد، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان آمل، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان قائمشهر، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان تنکابن و شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری دو شهرستان بابل به دست آمده است.

در بخش استنباطی، تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه داده‌بنیاد گردآوری می‌شوند با استفاده از کدگذاری انجام گرفته است. در این شیوه، تیم تحقیق پس از انجام هر مصاحبه به کدگذاری پرداخته و مقولات اولیه را شکل دادند. در کدگذاری از شیوه آنالیز محتوا استفاده شد. پس از یادداشت‌برداری، سرانجام، با کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها پالایش شدند. با طی این فرایندها در نهایت، توسعه چهارچوب از طریق مقایسه با متون موجود و مشخص کردن تفاوت‌ها و شباهت‌ها با سایر تحقیقات در این مرحله انجام شد. لازم به ذکر است که در کل فرایند تحقیق، ملاحظات اخلاقی رعایت شده است. به این ترتیب که به مسئولان ذیربط توضیح داده شد که تمام این اطلاعات بدون ذکر نام و نشانی کودکان و نوجوانان و تنها به منظور انجام یک کار پژوهشی دریافت می‌شود و اصل محرمانه بودن اطلاعات در تمام مراحل پژوهش رعایت می‌گردد.

۳. یافته‌های تحقیق

یافته‌های حاصل از توصیف داده‌های جمعیت‌شناختی اطفال و نوجوانان بزهکار اعم از جنسیت، سن، نوع اتهام و رأی دادگاه نشان داد که کمترین سن ارتکاب بزه ۸ سال و بیشترین سن ارتکاب بزه ۱۸ سال است. بنابراین دامنه تغییرات سن بزهکاری در این گروه ۱۰ سال می‌باشد. میانگین سن اطفال و نوجوانان بزهکار ۱۵ سال بوده و بیشتر این افراد مرد هستند. یعنی ۸۱ درصد از بزهکاران مرد و ۱۹ درصد زن می‌باشند. به لحاظ نوع اتهام وارد شده، بیشترین فراوانی متعلق به ضرب و جرح عمدی است و لواط و سرقت در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک اطفال و نوجوانان بزهکار

درصد	فراوانی	دموگرافیک اطفال و نوجوانان بزهکار
۲	۲	کمتر از ۱۰ سال
۱۲	۱۲	۱۰ تا ۱۲ سال
۴۰	۴۰	۱۳ تا ۱۵ سال
۴۶	۴۶	۱۶ تا ۱۸ سال
۱۰۰	۱۰۰	جمع
۱۹	۱۹	زن
۸۱	۸۱	مرد
۱۰۰	۱۰۰	جمع
۶	۶	زنا به عنف
۳	۳	اخذ فیلم و انتشار در فضای مجازی
۱۱	۱۱	عمل منافی عفت غیر از زنا با اکراه
۲	۲	آدم‌ربایی
۲۷	۲۷	ضرب و جرح عمدی
۱۵	۱۵	لواط
۴	۴	تفخیز به عنف و اکراه
۱۴	۱۴	سرقت
۴	۴	نگهداری مواد مخدر
۳	۳	رانندگی بدون گواهینامه

۵	۵	ایراد صدمه بدنی	رأی دادگاه
۱۰۰	۱۰۰	جمع	
۱۰	۱۰	جزای نقدی	
۳۲	۳۲	نگهداری در کانون	
۱۷	۱۷	شلاق	
۱۱	۱۱	پرداخت دیه	
۴	۴	اخذ تعهد به مواظبت در حسن اخلاق طفل	
۳	۳	تسلیم به والدین	
۱۰	۱۰	انجام خدمات عمومی	
۹	۹	معرفی به مشاوره رایگان بهزیستی	
۴	۴	حبس تعزیری	
۱۰۰	۱۰۰	جمع	

در مورد رأی دادگاه نیز، همان گونه که در جدول (۱) آمده است، باید گفت بیشترین رأی صادره منوط به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت استان مازندران است که ۳۲ رأی در این خصوص اتخاذ شده است. شلاق، پرداخت دیه، جزای نقدی و انجام خدمات عمومی نیز پرتکرارترین آرای صادره می‌باشند.

در بخش استنباطی، تحلیل اطلاعات با استفاده از کدگذاری آزاد شروع شد و پس از بررسی متن مصاحبه‌ها، معانی یکپارچه و منسجم که سازنده یک مقوله بودند از هم تفکیک شد. سپس این مفاهیم نام‌گذاری شدند. کدگذاری محوری از طریق کنار هم قراردادن کدهای اولیه به دست آمد. این بخش به دنبال یافتن پاسخ مناسب به این سؤال بود که الگوی پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در استان مازندران چیست. نتایج نشان داد که مقولات شامل پنج الگوی پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در استان مازندران است که از طریق ترکیب تقریبی ۳۲ مفهوم اولیه یا کدگذاری آزاد به دست آمده‌اند و به طور میانگین هر ۸ مفهوم اولیه یک مفهوم ثانویه را نشان می‌دهد که در مرحله بعد این مقولات نام‌گذاری و ویرایش گردید. جدول (۲) فهرست الگوهای پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان مفهوم‌سازی شده را پس از کدگذاری آزاد و محوری نشان داده است.

جدول ۲. مفاهیم اولیه و مقولات حاصل از کدگذاری آزاد و محوری

عبارت‌های مهم (کدهای واقعی)	مقوله‌های اولیه حاصل از کدگذاری باز	مقوله‌های حاصل از کدگذاری محوری	نظریه‌های حامی
<p>دستگاه قضایی در جرایم مربوط به کودکان و نوجوانان می‌تواند از تدابیری استفاده نماید که بدون سلب آزادی این بزهکاران اصلاح و درمان آنان مورد هدف قرار گیرد.... در حال حاضر جوامع در نظام عدالت کیفری خود نیاز به سامانه‌هایی دارند که جامعه‌مدار، بازپرورانه و غیر سالب آزادی اطفال و نوجوانان باشد....</p>	<p>نصیحت قضایی، اخطار، شرم‌نده‌سازی، تعهد نوشتاری، تسلیم به والدین، اخذ تعهد از والدین، خدمات عمومی رایگان، سپردن به اشخاص داوطلب،</p>	<p>پاسخ‌دهی از طریق ماندگارسازی بازپروری</p>	<p>استرانگ و ویت (۱۹۹۶) درونز و هس (۲۰۰۰) نیازپور (۱۳۹۶)</p>
<p>با وجود تأکید بر استفاده کم از واکنش‌های سالب آزادی هنوز بسیاری از آرای قضایی در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان استان مازندران بر سپردن اطفال و نوجوانان بزهکار به کانون اصلاح و تربیت صادر می‌شود.... کانون اصلاح و تربیت با اینکه اهداف آموزشی و تربیتی را دنبال می‌کند اما در هر صورت نوعی مجازات سالب آزادی محسوب می‌گردد.... حبس تعزیری و آزادی مشروط در اغلب پرنده‌های کیفری ویژه اطفال و نوجوانان به چشم می‌خورد....</p>	<p>سپردن به کانون اصلاح و تربیت، حبس تعزیری، آزادی مشروط</p>	<p>پاسخ‌دهی از طریق سلب آزادی بزهکاران</p>	<p>استرانگ و ویت (۱۹۹۶) غلامی (۱۳۸۶) نیازپور (۱۳۹۶)</p>

<p>نظریه‌های متناسب‌سازی پاسخ‌های کیفری شارپ (۱۹۹۸)، رایت (۲۰۰۷)، غلامی (۱۳۸۶)، نیازپور (۱۳۹۶)</p>	<p>پاسخ‌دهی از طریق الگوهای ترمیمی</p>	<p>میانجیگری، ترک تعقیب، آگاه‌سازی، سلب نیمه‌وقت آزادی، ترمیم زیان‌های وارد، توجه به شخصیت بزهکار</p>	<p>در نظام بازپروری و عدالت ترمیمی توجه به نظام شخصیتی کودکان و نوجوانان ضروری است... قضات باید نظام سزاگرایانه را در جرایم اطفال و نوجوانان کنار گذارند... قضات باید از آموزه‌های تربیتی و پرورشی آگاه بوده و واقعیت مربوط به کودکان و دوره کودکی و نکته‌های تربیتی این دوران را در نظر بگیرند و تصمیم‌گیری نمایند...</p>
<p>نظریه‌های جرم‌شناسی نظریه‌های فردی‌سازی مجازات</p>	<p>پاسخ‌دهی از طریق الگوهای کیفری</p>	<p>سلب آزادی، واکنش جزایی، جبران خسارت، حبس، پرداخت جریمه، پرداخت دیه، شلاق</p>	<p>الگوهای پاسخ‌دهی کیفری سنتی مبتنی بر توان‌گیری، سزادهی، سرکوب‌گری و بازدارندگی است که در حقوق کیفری ایران نیز این نوع اقدامات برای پاسخ‌دهی به کودکان و نوجوانان بزهکار به رسمیت شناخته شده است... مجازات‌های بدنی مثل زدن شلاق در آرای قضایی مشاهده می‌گردد... حبس و جریمه‌های مالی و پرداخت دیه در آرای قضایی واکنش سزاده محسوب می‌شود... واکنش‌های جزایی سخت‌گیرانه نتیجه مطلوبی تاکنون از خود برجای نگذاشته است و منجر به کاهش میزان بزهکاری اطفال و نوجوانان نشده است...</p>
<p>نظریه‌های مدیریت خطر ایدئولوژی‌های نظم و قانون</p>	<p>پاسخ‌دهی از طریق الگوهای تخمینی</p>	<p>مداخله پیش‌دستانه، واکنش به رفتارهای جنایی کودکان،</p>	<p>شاخصه پاسخ‌های تخمینی رابطه توأم با مناصمه و جدال طرفین یعنی بزهکار، بزه‌دیده و دولت است... دولت به نمایندگی از جامعه در فرایند</p>

غلامی (۱۳۸۶)		ممانعت از ارتکاب جرم، مدیریت رفتارهای مجرمانه بر اساس احتمال خطر و میزان تکرار جرم، حمایت از امنیت اجتماعی، حمایت از نظم عمومی	کیفری حاضر می‌شود و برای نظم و امنیت رفتارهای مجرمانه را بر اساس میزان خطری که برای جامعه دارند کاهش می‌دهد یا از بروز آن و تکرار آن جلوگیری می‌نماید....
--------------	--	---	---

پس از تعیین کدهای باز و مقولات محوری در ادامه به کدگذاری گزینشی مبادرت شد. حاصل این کدگذاری در جدول شماره (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. مقولات کانونی پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در استان مازندران

مقوله کانونی	مقوله‌های محوری	ردیف
الگوی عدالت کیفری سنتی	سلب آزادی	۱
	جبران خسارت	۲
	حبس تعزیری	۳
	پرداخت جریمه	۴
	سپردن به کانون اصلاح و تربیت	۵
	پرداخت دیه	۶
	شلاق	۷
الگوی عدالت ترمیمی	میانجیگری	۸
	ترک تعقیب	۹
	آگاه‌سازی	۱۰
	ترمیم زیان‌های وارده	۱۱
	انجام خدمات عمومی	۱۲

سپردن به اشخاص داوطلب	۱۳
آزادی مشروط	۱۴
نصیحت، تعهد و شرمندسازی	۱۵
تسلیم به والدین	۱۶
اخطار قضایی	۱۷

نتیجه

پس از تعمق در قوانین و مقررات موجود ایران و به‌ویژه مطالعه رویه قضایی دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان در سطح استان مازندران و داده‌ها و بررسی تجزیه و تحلیل آماری پیرامون آن، نتایج ذیل حاصل شده است:

۱. در سیاست کیفری ایران در ارتباط با چگونگی برخورد با جرایم اطفال و نوجوانان سه نوع از الگوهای پاسخ‌دهی یعنی الگوهای کیفری، ترمیمی و بازپروری قابل استفاده است؛ بدین شرح که قانون‌گذار ایران الف) الگوی کیفری را بیشتر درباره نوجوانان (۱۵ تا ۱۸ سال) در صورت ارتکاب جرایم تعزیری و استثنائاً نسبت به افراد بالغ بین ۹ تا ۱۵ سال تمام قمری دختر در صورت ارتکاب جرایم موجب حد یا قصاص و نداشتن شرایط خاص ذهنی و روانی، ب) الگوی ترمیمی را بیشتر درباره مجرمین گروه سنی بین ۹ تا ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرایم تعزیری و نیز استثنائاً درباره نابالغ زیر ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرایم موجب حد یا قصاص به شرط وجود شرایط خاص ذهنی و روانی در آنان، پ) الگوی بازپروری را نسبت به نوجوانان بزهکار به‌ویژه در صورت ارتکاب جرایم تعزیری (گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال) از طریق نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را قابل اعمال و اجرا دانسته است.

۲. چگونگی برخورد سامانه عدالت کیفری با جرایم اطفال و نوجوانان در استان مازندران گاه به شکل پیشینه و گاه به صورت کمیته است. در سطح رویه قضایی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان استان مازندران نیز با تبعیت از سیاست کیفری ایران بیشتر از دو الگوی پاسخ‌دهی کیفری و بازپروری بهره برده‌اند. این امر نشانگر این است که با وجود کمیته‌سازی مجازات‌های کیفری سنتی که مبتنی بر توان‌گیری و سزادهی است و تأکید بر استفاده از این شیوه، بنا به ضرورت، این شیوه پاسخ‌دهی همچنان در دادگاه‌های ویژه اطفال و نوجوانان در استان مازندران کاربرد دارد. بر این اساس، عدالت کیفری مبتنی بر «جزا و سرکوب» و عدالت کیفری مبتنی بر «اصلاح و تربیت» برای پاسخ‌گویی به ضرورت‌های ناشی از وقوع جرم و اجرای عدالت کیفری در این استان الگوی مناسب برای پاسخ‌دهی

به جرایم اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود. اما استفاده از الگوی عدالت ترمیمی که مبتنی بر میانجیگری، مذاکره، مصالحه، نشست، ترمیم زیان‌ها و شرم‌نده‌سازی درباره مجرمین کم‌سن‌وسال است کمتر در آرای قضایی دادگاه‌های کیفری ویژه اطفال و نوجوانان استان مازندران مشاهده می‌گردد؛ گرچه در این شیوه از پاسخ‌دهی، قضات دادگاه‌های کیفری ویژه اطفال و نوجوانان پاسخ‌های خود را بر اساس واقعیت‌های مربوط به کودک‌ان و نوجوانان انجام داده‌اند و این دسته از افراد (زیر ۱۸ سال) را نابالغ و در واقع فاقد مسئولیت کیفری دانستند. همچنین در پرتو این رویکرد، پاسخ‌های شناسایی شده بیشتر جنبه حمایتی دارد، مثل سپردن و تسلیم کودک‌ان به والدین یا سپردن به اشخاص معتبر و داوطلب و اینکه این نوع از تدابیر حمایت‌گرایانه (ترمیمی) نسبت به این افراد نسبت به قبل شتاب بیشتری گرفته است.

در مجموع می‌توان گفت که سامانه عدالت کیفری استان مازندران تا مطلوب‌شدن وضعیت حقوق کیفری اطفال و نوجوانان هنوز فاصله دارد، زیرا به‌رغم گرایش قانون‌گذار ایران و نیز اندیشمندان به استفاده مطلوب از الگوی عدالت ترمیمی در پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان به‌منظور نیل به اهداف عدالت ترمیمی، از جمله جبران خسارات و درد و رنج‌های جسمانی، عاطفی و روانی ناشی از جرم و ایجاد احساس پشیمانی و شرمساری در مرتکب جرم، از طریق استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود در ایران از جمله ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری با الحاقات و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۹۴، با توجه به نمایش داده‌های آماری حاصل از جدول‌های شماره ۲ و ۳ این نوشتار به شرح اشاره‌شده همچنان تمایل قضات به استفاده از الگوی پاسخ‌دهی عدالت کیفری (مکافات‌گرا) درباره کودک‌ان و نوجوانان مورد توجه است. از این‌رو، باید فرایندهای اجباری و یک‌جانبه عدالت سزادهنده به فرایندهای داوطلبانه توافقی و در جهت سازش و آشتی تغییر کند.

- دادنامه شماره ۱۱۴/۰۶۳۱۰۰۹۹۷۲۰۹۵۰۹۵/۰۹/۲۳-۱۳۹۵ صادره از شعبه ۱ دادگاه کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان استان مازنداران.

انگلیسی

- Drown, Robert, W. & Hess, Kären, M. (2000), **Juvenile Justice**, Thomson and Wadworth Publishers.
- Sigel, Larry, J. & Senna, Joseph, J. (2008), **Introduction Criminal Justice**, Thomson and Wadworth Publishers.

